

# فرمانی از دوره صفویه

ایرج افشار

## معرفی

هفده فقره سند که از میان دفینه‌های در رباط شرف (بنا به گفته محمد یوسف کیانی) به دست آمده و فتوکپی آنها را برای قرائت به من داده‌اند کلاً عبارت است از دو نوع. یک دسته حکم و خطاب و دستورهایی است در رابطه با زین‌الدین علی تکلو که میان ذی‌القعدة ۹۱۷ تا اواخر رمضان ۹۱۸ (طبق این اسناد) در خراسان سمت داروغگی داشته است. دسته دیگر اقرار و تعهدنامه‌هایی است از اشخاصی که به هنگام ورود به سرخس و یا در مسائل مختلف دیگر امضا کرده‌اند. متأسفانه کلیه فتوکپی‌ها کم‌رنگ است و بهمین علت مقداری از کلمات و عبارات در فتوکپی خوانده نمی‌شود. مخصوصاً مهر اسنادی که مهر شده است شناخته نیست و "سجع" آنها را نمی‌توان تشخیص داد. معرفی اسناد به شرح زیر ارائه می‌شود:

## الف - اسناد مربوط به زین‌الدین علی بیگ تکلو

۱ - حکم شاه اسماعیل صفوی مورخ ذی‌القعدة ۹۱۷ خطاب به حکام و امراء داروغه و تیولداران و وزراء و متصدیان دیوانی خراسان که از ابتدای نوروز پیچی نیل کلیه اویساقات و تیولات و الوسات خراسان جز "خاصه شریفه" شد، یعنی از املاک متصرفی خاص پادشاه و تصدی آنها به (عمادالملک؟) مسعود واگذار شد و زین‌الدین علی بیگ تکلو به سمت داروغگی در آن صفحات منصوب است و کلیه مردم باید ازو اطاعت کنند.

طبعاً نسخه اول این حکم آن بوده که به (عمادالملک؟) مسعود داده شده بوده و این نسخه علی‌القاعده نسخه ثانوی است که به زین‌الدین علی بیگ داده شده بوده است.

گروه اسنادی که با فعالیتهای علی بیگ تکلو ارتباط دارد میان ماههای ذی‌القعدة ۹۱۷ تا ۱۵ رمضان ۹۱۸ صادر شده است. یعنی حدود یازده ماه و درین مدت او عنوان "سمت داروغگی راداشته و رسماً" در ماه ربیع‌الثانی ۹۱۸ به تصدی کار مذکور پرداخته بنحوی که بعداً اشاره می‌شود و اگر بعد از آن هم در خراسان بوده سندی نیست و از اینکه در دهم رمضان ۹۱۸ میرجلسی را به وکالت خود معین کرده فرینه است بر اینکه از آن ناحیه خارج شده است.

۲ - خطابی است از جانب متصدی املاک خاصه یعنی (عمادالملک؟) مسعود مورخ ربیع‌الثانی ۹۱۸ به عنوان زین‌الدین علی تکلو به منظور آنکه کلانتران و کدخدایان و رعایای اویساقات ولایت سرخس به محلهای خود باز گردند و آسوده زندگی کنند. این خطاب دارای مهرست.

۳ - خطابی است از زین‌الدین علی تکلو مورخ رجب ۹۱۸ به کدخدایان و بزرگان در موضوع اینکه سه ماه است من به سمت داروغگی اویساقات سرخس آمده‌ام ولی شما به حضور من نیامده‌اید. وقتی که میرجلسی می‌آید با او به حضور بیایید. این خطاب دارای مهرست.

۹۱۷ به سمت داروغگی منصوب شده بود تا ربیع الثانی ۹۱۸ به سرخس برای تصدی امور نیامده بوده و اشاره سه ماه در سند شماره ۳ گواه است بر آن، همانطور که سند شماره دوم نیز دلالت بر همین معنی دارد. این خطاب دارای مهرست.

۴- خطایی است از زین‌الدین علی تکلو مورخ ۱۰ رمضان ۹۱۸ به یوزبگیان و کدخدایان اویماقات سرخس که میرچلی را از طرف خود به وکالت گذاشته‌ام. ازینجا برمی‌آید که زین‌الدین مذکور درین تاریخ سرخس را ترک کرده است. طبق این سند کلیه امور را بر عهده میرچلی گذاشته است. این خطاب دارای مهرست.

۵- خطایی است از زین‌الدین علی تکلو (مهر روشن نیست و ظاهراً از زین‌الدین علی تکلوست و یک سطر از سند در فتوکپی نیامده است) به پهلوان ولی که علی‌القاعده یکی از رؤسای اویماقات سرخس بوده است. طبق این نوشته حل و فصل امور بر عهده میرچلی واگذار شده بوده است.

۶- خطایی است از زین‌الدین علی تکلو (مهر روشن نیست و ظاهراً از زین‌الدین علی تکلوست) به میرچلی که پنجاه دینار تبریزی در وجه غلام علی (?) بپردازد. خطاب دارای مهرست. ۷- خطایی است از زین‌الدین علی تکلو (ظاهراً و مهر آن روشن نیست) مورخ ۱۰ رمضان ۹۱۸ به میرچلی که یک ثوب خلعت به درویش محمدآقا بدهد.

۸- خطایی است از زین‌الدین علی تکلو (ظاهراً و مهر آن روشن نیست) مورخ ۱۰ رمضان ۹۱۸ به درویش محمدآقا (همان که طبق سند قبلی خلعت گرفته) که مزاحمت به مردم اویماقات نرساند. معلوم می‌شود این شخص از سرکشان آن صفحات بوده و چون مورد محبت قرار گرفته است به او خلعت داده‌اند.

#### ب- اقرارنامه‌های پیرمحمد و خوشمحمد (دو برادر)

از میان هفده سند دو سند مربوط است به پیرمحمد از مردم باورد که به سرخس وارد شده بوده است و با خود اجناسی از بادغیس آورده که در هنگام ورود مورد رسیدگی قرار گرفته و صورت برداری شده است. بادغیس را در سند بصورت "باد قیث" نوشته‌اند.

۹- اقرارنامه پیرمحمد ۱۲ رمضان ۹۱۸ دائر بر اظهار اینکه چه اجناسی همراه داشته است. چند نفر ذیل اقرارنامه گواهی کرده‌اند.

۱۰- اقرارنامه خوش محمد برادر پیرمحمد مورخ رمضان ۹۱۸ در همان مورد مذکور در فوق و معرفی اجناسی که برادرش همراه داشته است. ذیل این سند را هم چند نفر گواهی کرده‌اند.

#### ج- تعهدنامه و اقرارنامه‌های افراد دیگر

۱۱- تعهدنامه حمادی (؟) بن حاجی علی معول نسبت به اویماق حاجی سیک که مطلبی را پوشیده ندارد. مورخ ۲ رمضان ۹۱۸. پنج نفر آن را گواهی کرده‌اند.

۱۲- تعهدنامه لطف‌الله بن شاه علی که نسبت به اویماق حاجی سیک مطلبی را پوشیده ندارد. مورخ ۲ رمضان ۹۱۸. سه نفر آن را گواهی کرده‌اند.

۱۳- اقرارنامه دائر بر تهمت زدن نسبت به یار علی مورخ ۹۱۸. سه نفر آن را گواهی کرده‌اند. ۱۴- تعهدنامه چند نفر که هنگام رفتن به اویماقات تخلفی نکنند. تاریخ ندارد. مهر دارد ولی خوانا نیست. چهار نفر آن را گواهی کرده‌اند.

۱۵- تعهدنامه دو یا سه نفر که به هنگام رفتن به اویماقات تخلفی نکنند. تاریخ ندارد. مهر

دارد ولی خوانا نیست . سه نفر آن را گواهی کرده‌اند .

#### د - دو سفارشنامه

۱۶ - نامه بدون مشخصات ارسال‌کننده ، خطاب به مولانا حاجی محمود که از طرف خود کسی را فرستادم و هر نوع رفتار کنید مختارید .

۱۷ - نامه بدون مشخصات ارسال‌کننده (ولی ظاهرا" از همان شخص و به یک خط است ) خطاب به امیر بدرالدین بیک که ظاهرا" در یکی از محال خراسان سمت وزارت داشت در موضوع آنکه از طرف کسی را فرستادم و هر نوع در مورد او مصلحت بدانید مختارید .  
این دو نامه ظاهرا" مربوط به یک قضیه و یک نفر است که از جانب نویسنده ، نامه به محلی اعزام شده بوده است و این دو نامه در حقیقت دو سفارشنامه است .

\* \* \*

آنچه بطور کلی در باره ، این اسناد باید گفت این است که زین‌الدین علی تکلو به هنگام ترک سرخس این مقدار از اسناد را در ریاط شرف بجای گذارده و از او به یادگار مانده است و ظاهرا" آن است که پس از آن به سرخس برنگشته است . دیگر آنکه نام این شخصی که داروغگی آن محال را بر عهده داشته در کتب معروف عصر صفوی ، احسن‌التواریخ ، خلاصه‌التواریخ و عالم‌آرای عباسی دیده نشد و چون اتفاق مهمی در دوران داروغگی او نیفتاده بوده است پس آن تواریخ موردی و مطلبی نداشته‌اند تا ، نام او را در ضبط آورده باشند .

الف - اسناد مربوط به زین‌الدین علی تکلو

۱ - حکم شاه اسمعیل صفوی

(۱) هو الله سبحانه

(۲) بسم الله الرحمن الرحيم

(۳) یا علی

(۴) الحکم لله

(۵) ابوالمظفر اسمعیل بهادر سیوز و میز

(۶) حکام کرام نامدار و امراء عظام عالی‌مقدار و داروغه و تیولداران و وزراء و متصدیان مهمات و اعمال دیوانی و متکفلان

(۷) امور و اشغال سلطانی معالک محروسه ، خراسان احسن‌الله تعالی احوالهم بدانند که از ابتداء نوروز سلطانی

(۸) بیجی‌ئیل تمامی اویماقات و تیولات و الوسات آنجا را بخاصه ، شریفه ، همیون مخصوص گردانیده امارت . . . ایشان به انیس‌الحضرت‌العلیة السلطانیة حلیس‌الدولة العلیة الخافانیة ، رکن - الخلافة القاهرة غصن السلطنة الباهرة

(۹) . . . الاقبال مسعود . . . تفویض فرمودیم و ارزانی داشتیم . می‌باید که زین‌الدین علی بیک

تکلو . . . اقبال پناه مومی‌الیه را داروغه ، اویماقات و الوسات و تیولات مذکوره دانسته

(۱۰) تمامی را به تصرف مشارالیه و اختیار او گذارند و آنچه . . . در معامله قوی‌ئیل دروجه . . .

امراء کرام و غیرهم مقرر بوده . . . از هرگونه بموجبی که یرلیغ عالم مطیع به نفاذ پیوست و پروانچه که

مذکوران مخصوص و... مأخوذ ندارند و مطالبی ننمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده داشته هر یک از اویماقات

(۱۲) در هر جا از بلاد و ولایات که بیلامیسی... بدستور یا یلاق و قیشلاق نموده بعلت علف - خوار و... و گوسفند و سرگله و سایر تکالیف اخراجات پیرامون ایشان نگردند و قضیه که در میانه ایشان واقع شود

(۱۳) واحداثی که روی نماید صاحب اولی بعلت آنکه در اولکاء او نیشه شده مدخل ننماید و برسی آن را به امر مومی الیه که داروغه خاصه شریفه است مخصوص و متعلق داند و مطلقاً به قلیل و کثیر طمع و توقع در سرکار مذکور نکند

(۱۴) و حوالتی ننماید. امراء و سرخیلان و جماعه مشایخ و کلان تران و کدخدایان و عموم ( کذا ) رعایا الوسات و اویماقات و تیولات و احشامات... مذکوره بهمه ابواب مستطهر و مستمال بوده مومی الیه را

(۱۵) داروغه خود داند. از سخن و صوابدید او که هرآینه موجب رفاهیت رعایا و گواهی دیوان خواهد بود بیرون نرفته... و قضیه که روی نماید بدو رفع گردانند که بموجب سوءالات بطریق رعیت بروری

(۱۶) به عرض برساند و چیزی از او پوشیده و پنهان ندارند و لوازم اطاعت و مراسم انقیاد... و بیجار و بساق او حاضر کرده و همچنین مقرر فرمودیم که مبلغ یکهزار تومان تبریزی

(۱۷) از وجوهی مال و جهات و حقوق دیوانی بیجی غیل سرکار مذکور به دستور که مستأخران که... مذکوره در دیوان اعلی مقرر نموده مقطع گردانده به تحصیل او به وصول رساند که... خزانه عامره شده حواله حوالات نماید

(۱۸) و نتمه به دستور که... للداران شده باشد بهوقوف او سامان کند و فرج تحصیل هر یک از قرار ده یک موجبی که در تحصیل بروات مستوفیان دیوان اعلی قرار داده باشند شناسد و مطلقاً

(۱۹) بزوائد پیرامون عجزه مساکین نگردد و رسم تخطی ننهد. از مخالفت محرز باشد. امر مشارالیه حسب المسطور مقرر دانسته و رعایت رعایا که اصابع الخالق البرایانند بواجبی نموده نگذارد که بهیچوجه

(۲۰) حشم از وجوه زیادتی پیریشان نماید و منع ستم شریک در خانه ایشان نموده دست اقویا او ضعفا کوتاه گرداند و اگر دادخواهی... نوع غور و بزرسی او نموده حکمی

(۲۱) حق... داده عندالخالق و الخلائق مأجور و مشکور افتد. تحریراً فی ذی القعدة سنة ۹۱۷ و م

رتال جامع علوم انسانی

۲ - خطاب مسعود به زین الدین علی

(۱) هو العزیز

(۲) علی تکلو سوزوم

(۳) کلانتران و کدخدایان و رعایا اویماقات و ولایت سرحس مستطهر و مستمال بوده

(۴) از سر امیدواری هر چه تمامتر متوجه محل مألوف گردند و بهیچوجه من الوجوه

(۵) تفرقه بخود راه ندهند و من کل الوجوه خاطر جمع دارند و مهمات و ملتسمات خود رفع گردانند که

(۶) بشرف عقد و فصل مقرون گردد. توجه درین باب نمایند. تحریراً فی

(۷) شهر ربیع الثانی سنه ۹۱۸ (محل مهر)

### ۳- خطاب زین الدین علی تگلو به کدخدایان

(۱) هوالمعز

(۲) کدخدایان و یوزبگیان ایل بدکورجی (کذا) بدانند که مدت سه ماه شد اینحساب به داروعلگی

(۳) اویماقات سرخس آمده و تا غایت بحضور نیامده... این صورت فیما بین... می... که در

زمانی که

(۴) مفخرالاعظم میرچلبی بحضور برسد باتفاق مشارالیه بحضور آئید که اکنون... ایشان معلوم

گردد.

(۵) رود و بهرچه حکم فوری شود عمل نمائید. درین باب

(۶) قدغن دانسته توجه نمایند. تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۹۱۸

(محل مهر)

### ۴- خطاب زین الدین علی تگلو به یوزبگیان

(۱) هو

(۲) یوزبگیان و کدخدایان اویماقات سرکار سرخس بدانند که بنا بررفاهیت حال ایشان افتخارالاعیان

(۳) میرچلبی را از وکالت خود گذاشته که نگذارد کسی به بحساب و دست انداز مزاحم و متعرض

مردم اویماقات

(۴) شود. می باید که مشارالیه را وکیل این جانب دانسته هر قصیه و برغو که در میانه ایشان واقع

شود

(۵) بدو رفع نمایند که بموجب راستی و طریق رعیت پروری تفصیل برساند و نگذارد که برعایا حیف

(۶) و میلی واقع شود و نوعی با مردم معاش کند که مردم راضی و خشنود باشند. چنانچه در زمان

سؤال از عهده جواب

(۷) بیرون تواند (آمد). درین باب قدغن دانسته توجه نمایند و در عهده دانند.

(۸) تحریراً فی ۱۵ شهر رمضان المبارک ۹۱۸ (محل مهر)

### ۵- خطاب زین الدین علی تگلو به پهلوان ولی

(۱) هو

(۲) پهلوان ولی را اعلام گردانیده نوعی نمایند که

(۳) به مردم اویماقات زیادتی و بیحسابی واقع نشود و برغوی

(۴) و قضیه که واقع شود بحضور... میرچلبی پرسش نمایند

(۵) و نوعی نکند که مردم عرصه مملکه... طمعی در سرکار اویماقات بکنند

- (۷) اویمافات می‌گیرند... خود از عهده بیرون خواهد آمدن  
 (۸) ... که درینجا باشد برطرف خواهد شد و خطی که گرفته‌ام

#### ۶- خطاب زین‌الدین علی تکلو به میرجلبی

- (۱) ... میرجلبی پنجاه دینار تبریزی  
 (۲) در وجه غلام علی... که  
 (۳) از بابت وجوهات خاصه... محراست  
 (۴) "تحریرا" فی شهر رمضان سنه ۹۱۸ (محل مهر)

#### ۷- خطاب دیگر زین‌الدین علی تکلو به میرجلبی

- (۱)  
 (۲) ... میرجلبی یک ثوب... نیکو از جمله  
 (۳) وجوهات خاصه که بدو رجوع شده در وجه خلعت  
 (۴) درویش محمد آقا خدایگان... که در هنگام  
 (۵) حساب مجرا و محسوب خواهد بود  
 (۶) "تحریرا" فی ۱۵ شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸ (محل مهر)

#### ۸- خطاب زین‌الدین علی تکلو به درویش محمد آقا

- (۱) هو  
 خدایگانی (مربوط به بعد از محمد آقا در سطر بعد)  
 (۲) درویش محمد آقا می‌باید که اصلاً "پیرامون"  
 (۳) مردم اویمافات نگردد و مزاحمت به رعایا برساند  
 (۴) و گذارد که به درویشی خود مشغول شوند که...  
 (۵) حسب الحکم بخاصه شریفه متعلق‌اند و... به ایشان ندارند  
 (۶) و پروانچه بلباس حاصل نموده باشند بسیار  
 (۷) بعهدہ میرجلبی که نگذارد مزاحمت بحال  
 (۸) رعایا برساند. درین باب توجه نمایند  
 (۹) "تحریرا" فی شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸ (محل مهر)  
 ستون دست چپ  
 (۱) بیت  
 (۲) اسباب‌نامه رویی ما بی‌نهایت است (۴)

- (۳) هانگام (کذا) دستگیری وقتی عنایت است (؟)
- (۴) عرض بنده آنکه حالا داعیه آن داریم
- (۵) خواستاله باشد درودیعیت (؟) مشهد
- (۶) و دیگر پوشش نداریم . عنایت نموده
- (۷) پوشش شفقت نمایند در عندالله

ب - اقرارنامه‌ها  
 ۹ - اقرارنامهٔ پیرمحمد

- (۱) هو
- (۲) خط داد پیر محمد که از ولایت باورد که یک . . . کفش و کفش کیمخت
- (۳) آورده‌ام و بغیر این هیچ چیز دیگر نیاورده‌ام و اگر خلاف
- (۴) این معنی ظاهر گردد محرم و گونا (کذا) کار باشم و مبلغ یکهزار دینار کیکی
- (۵) حرمانه داده باشد . تحریراً" فی تاریخ ۱۲ شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸
- (۶) بحظ الفقیر الداعی محمود فخرالدین سزواری
- (۷) گواهی ابل فضل (؟)
- (۸) گواهی قل علی میراشکار
- (۹) گواهی برهان قل
- (۱۰) گواهی اسناد خداویردی (؟)

حاشیه

- (۱) ورخوت‌ها، دیگر را که شرح
- (۲) خواهد داد از بادقیبت (کذا)
- (۳) آورده‌ام و اگر خلاف
- (۴) ظاهر گردد محرم باشد
- (۵) 

بفجه	پیش انداز
عدد	عدد
- (۶) 

جام	تابه
عدد	عدد

۱۰ - اقرارنامهٔ خوش محمد

- (۱) هو
- (۲) مقصود ازین نوشته آنکه اغروق (؟) نمود خوش محمد بحضور جماعتی که اسامی
- (۳) خود . . . مسطور . . . خواهد نمود که برادر (؟) من پیر محمد از ولایت باورد
- (۴) دو . . . کفش و یک بفجه و یک تابه و جام و یک جفت
- (۵) کفش کیمخت و پیش‌انداز از ولایت مذکور خود خود (کذا مکرر)
- (۶) آورده و اگر خلاف ظاهر گردد محرم بوده جرمانه . . .
- (۷) تحریراً فی تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸

- (۹) محمود بن فخرالدین  
 (۱۰) بگواهی برهان قول  
 (۱۱) بگواهی اسل فصل  
 (۱۲) بگواهی استاد خداویردی (۴)

ج - تعهدنامه و اقرارنامه‌های دیگران  
 ۱۱ - تعهدنامه حمادی (۴) بن حاجی علی

- (۱) هو  
 (۲) خط داد و قبول نمودید که حمادی بن حاجی علی مقول و دیگر ... بن حاج علی  
 (۳) که ما از قل دوعه ایمافات حاجی بیک و قل حسن آقا در مبانه  
 (۴) مہمات ایمافات راستی کنیم و در میان مهم ایماق باشم و هیچ مہمات  
 (۵) ... و غیره از حاجی بیک و قل حسن آقا پنهان و پوشیده ننماید  
 (۶) و اگر پنهان و پوشیده نمائیم گناه کار و محرم (کدا) باشم و مقدار دو هزار  
 (۷) دینار کپکی حرمانه داده بدین موجب خط داده و سچکا قبول نمودیم  
 (۸) تحریراً ۲ شهر مبارک رمضان سنه ۹۱۸

حاشیه

- (۲۰۱) حرره العبد  
 (۴۳) بگواهی محمد آقا  
 (۶۵) بگواهی غلام علی  
 (۸۰۲) بگواهی ولی ...  
 (۱۰۵۹) بگواهی ... آقا

۱۲ - تعهدنامه لطف‌الله بن شاه علی

- (۱) هو  
 (۲) خط داد و قبول نمود لطف‌الله بن شاه علی که در میان  
 (۳) ایمافات از قل حاجی بیک و قل حسن آقا ایمن باشم  
 (۴) و راستی کنیم و هیچ چیز از حاجی بیک و قل حسن آقا  
 (۵) پنهان و پوشیده نداریم و اگر پنهان و پوشیده ما  
 (۶) ظاهر گردد محرم (کدا) بوده خط در یک هزار دینار کپکی  
 (۷) حرمانه داده می‌باشیم بدین موجب خط داده و سچکا قبول کردیم  
 (۸) تحریراً ۲ شهر مبارک رمضان سنه ۹۱۸

حاشیه

- (۲۰۱) حرره العبد ...  
 (۴۳) بدین موجب است محمد آقا  
 (۶۵) بدین موجب است مقصود آقا



### ۱۳ - اقرارنامه مربوط به تهمت زدن به یار علی

- (۱) هو
- (۲) خط داد و قبول نمود . . . علی بن رستم (؟) غانجی بی‌اکراه و اجبار که
- (۳) من یار علی بن . . . را توحمت (کذا) کردم که تورا دو سر گوسفند داده
- (۴) ام . او دو سر گوسفند را . . . را رشوات (کذا) داده بودم و این یار علی
- (۵) مذکور را توحمت (کذا) کرده و . . . و تنکه بغیر حق ازو گرفته بروم
- (۶) پیش داروغه‌گان ایماقات گناه‌کارم
- (۷) بحضور شهود عدول . سنه ۹۱۸

#### حاشیه

- (۲۰۱) . . . . .
- (۴۳) گواهی محمد بن حیدر
- (۶۵) گواهی . . .

### ۱۴ - تعبدنامه چند نفر

- (۱) هو
- (۲) خط دادن (کذا) و قبول نمودن (کذا) ملازم . . .
- (۳) مآبی خواجه که . . . محمد و علی
- (۴) و فقیر علی . . . که از هر محل
- (۵) . . . که در میان آیماقات میرویم بموحد راستی
- (۶) میکنیم و اگر از یکدینار . . . دینار و بل صد دینار
- (۷) . . . و به هزار دینار از وکیلان اوبی مطالعات فریبگی
- (۸) وفوف قلبی ظاهر شود . . . هزار دینار
- (۹) داده گوش و بینی ما را بورد (۴) . . . (محل مهر)

#### حاشیه

- (۲۰۱) حضور شهود عدول
- (۴۳) گواهی شاهوم علی
- (۶۵) گواهی . . . . .
- (۸۷) گواهی مقصود

### ۱۵ - تعهدنامه سه نفر

- (۱) هو
- (۲) خط دادن (کذا) و قبول نمودند میرزا احمد و شاهوم علی و سلطان احمد
- (۳) که در میان ایماقات . . . و ائمنی می‌رویم هر آن وقتی

- (۵) از یکدینار تا بهزار دینار ایشان (کذا) بی وقوف  
 (۶) فلسی نمائیم و اگر فلسی مشاهده شود گناه کار بوده  
 (۷) جرمانه دو هزار دینار داده . . . . . باشیم در حضور حکام . . . . . ( محل مهر)

حاشیه

- (۲۱) بگواهی . . . . .  
 (۴۳) بگواهی علی آقا  
 (۶۵) بگواهی قل حسن آقا

د - سفارشنامه‌ها

۱۶ - سفارشنامه خطاب به مولانا حاجی محمود

- (۱) هو  
 (۲) مولانا اعظمی و اکرمی و استظهاری (اعده) الله فی الدارین مولانا اعظم  
 (۳) مولانا حاجی محمود را سلام فراوان و  
 (۴) تحیات بی پایان قبول و مطالعه  
 (۵) نماسند و دیگر بعد از رأی شریف آنکه از کسان اینجناب به ملازمت  
 (۶) شما ارسال نموده شد در میانه حیفای از مهمات . . . . . اگر باشد  
 (۷) کسان اینجناب را سهر نوع روی به راه کردند حاکمند  
 (۸) زیاده مبالعه سوسند ، والسلام

۱۷ - سفارشنامه خطاب به امیر بدرالدین بیک

- (۱) هو  
 (۲) جناب اخوی اعتمادی اکرمی استظهاری اسعه الله فی الدارین  
 (۳) امیر بدرالدین میرک سلام فراوان و دعای بی پایان قبول نمایند  
 (۴) بعد انهاء رأی ، وظیفه آنکه جناب . . . . . وزارت مآبی و حکومت دستگاهی  
 (۵) از سبب مصلحت . . . . . در محل عظیم مبالعه و اهتمام تمام نموده بودند  
 (۶) در ملازمت آن جناب کسی فرستاده شد . چنان چه مصلحت . . . . . را  
 (۷) سهر نوع که صلاح می بینید حاکمند . وم

حاشیه

- (۱) . . . . . شاهوم علی را فرستادم  
 (۲) آنچه ارسال نمایند حاکمند

